

خدای مهربان و مسئله شر

مسئله شر؛ معضلات، رویکردها و راه‌حل‌ها

تألیف:

دکتر مریم سلگی

عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء

دکتر قاسم بر حسن

عضو هیأت علمی، نگاه علامه طباطبائی



- سرشناسه: سلگی، مریم، ۱۳۵۹ -
- عنوان و نام پدید آور: خدای مهربان و مسئله شر (مسئله شر: معضلات، رویکردها و راه حل ها) /تالیف مریم سلگی، قاسم پورحسن.
- مشخصات نشر: تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۷.
- ملاحظات ظاهری: ۴۱۳ ص.
- فروستد: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی؛ ۵۱۰
- شابک: ۳۵۱۰۸-۲۱۷-۹۶۴-۹۷۸-۴۵۰۰ تومان
- وضعیت فهرست نویسی: فیبا
- یادداشت: کتابنامه
- موضوع: سهروردی، یحیی بن حبیش، ۵۴۹؟ - ۵۸۷ق. — دیدگاه درباره خیر و شر
- موضوع: Suhrawardi, Yahya ibn Habash -- Views on Good and Evil
- موضوع: سونینبرن، ریچارد، ۱۹۳۱-م. — دیدگاه درباره خیر و شر
- موضوع: Swinburne, Richard -- Views on Good and Evil
- موضوع: خیر و شر (فلسفه)
- موضوع: Good and Evil (Philosophy)
- موضوع: خیر و شر
- موضوع: Good and Evil
- موضوع: فلسفه اسلامی
- موضوع: Islamic Philosophy
- موضوع: فلسفه انگلیسی — قرن ۲۰م.
- موضوع: Philosophy, English -- 20th Century
- شناسه افزوده: پورحسن، قاسم، ۱۳۴۵ -
- شناسه افزوده: دانشگاه علامه طباطبائی.
- رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ س ۸۲/ف ۱۴۰۵ BJ
- رده بندی دیویی: ۱۱۱/۸۴
- شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۰۷۹۹۳

خدای مهربان و مسئله شر

منه شر؛ معضلات، رویکردها و راه‌حل‌ها

تألیف

دکتر مریم سلگی

دکتر اسم پور حسن

زیر نظر: دانشی دانشگاه

شابک: ۸-۵۱-۲۱۷-۶۴-۹۷۸

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی	
ویراستار: دکتر مهدیه محمودزاده	سرور حسار: دکتر ناز، الا فرمانی انوشه
نمایه‌ساز: سیده زهرا طباطبائی جعفری	صفحه‌آرایی: سیده دیوباد
طراح جلد: رسول خسروبیگی	ناظر فنی: رضا پوی
مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی؛ تهران، بزرگراه شهید بهشتی، دهکده المپیک، میدان ورزش	
تلفن مرکز انتشارات: ۴۴۷۳۷۵۶۰	صندوق پستی: ۱۵۸۱۵/۳۴۸۷
چاپ اول ۱۳۹۷	شمارگان: ۲۰۰
	قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
۱۷	فصل اول: بررسی و ارزیابی مدل‌های مسئله شر
۱۷	درآمد
۲۰	الهیات و مسئله شر
۲۰	(۱) ناسازگاری مسئله شر با وجود خداوند
۲۲	(۲) ناسازگاری مسئله شر با اوصاف خداوند
۲۴	(۳) مسئله شر و قضای الهی
۲۵	(۴) ناسازگاری وجود شرور با نظام احسن عالم
۲۵	تحلیل معنایی و مفهومی واژه شر
۲۶	(۱) معنای لغوی واژه شر
۲۸	(۲) تعاریف اصطلاحی
۳۱	(۳) تعاریف مصداقی
۳۳	رابطه منطقی مفاهیم خیر و شر
۳۵	منظر تاریخی مسئله شر
۴۰	نظریه پردازی در حوزه مسئله شر

۴۲	راه حل های ارائه شده در مسئله شر
۴۲	(۱) نظریه عدمی بودن شر
۴۷	دلیل اول: ادعای بداهت
۴۸	تحلیل و بررسی دلیل اول
۵۱	دلیل دوم: دلیل استقرایی
۵۲	تحلیل و بررسی دلیل دوم
۵۳	دلیل سوم: استدلال قیاسی
۵۵	تحلیل و بررسی دلیل سوم
۵۶	تحلیل و ارزیابی
۵۹	(۲) نظریه تقیسی شر
۶۱	تحلیل و ارزیابی
۶۲	(۳) نظریه معدوم بودن شر
۶۴	تحلیل و ارزیابی
۶۶	(۴) نظریه ملازمه شرور با خیرهای برتر
۷۱	ارکان نظریه بالا
۷۲	تحلیل و ارزیابی
۷۷	(۵) نظریه ضرورت شرور و تعالی انسانی
۸۵	تحلیل و ارزیابی
۸۷	(۶) نظریه دفاع مبتنی بر اختیار
۹۱	تحلیل و ارزیابی
۹۵	(۷) نظریه جهل انسان و شرور (نگاه کلینانه به عالم هستی)
۹۸	تحلیل و ارزیابی
۱۰۰	(۸) نظریه ترغیب الهی و پیروزی خیر (الهیات پویشی)
۱۰۳	تحلیل و ارزیابی
۱۰۳	(۹) نظریه ثنویت

تحلیل و ارزیابی	۱۰۴
۱۰. نظریه جهان خشتی در نسبت با خیر و شر	۱۰۴
تحلیل و ارزیابی	۱۰۶
۱۱. نظریه مکافات عمل و شر (گناهان ما موجب بروز شرور هستند)	۱۰۷
تحلیل و ارزیابی	۱۰۸
۱۲. نظریه جبران شرور در عالم دیگر (راه حل عوض و انتصاف)	۱۰۹
مسئله عوض	۱۱۱
مسئله انتصاف	۱۱۱
۱۳. نظریه دادآوری و جزی بر امتحان	۱۱۳
تحلیل و ارزیابی	۱۱۵
نتیجه گیری	۱۱۶
برسش های فصل اول	۱۱۸
منابع فصل اول	۱۱۹
الف) منابع فارسی و عربی	۱۱۹
ب) منابع انگلیسی	۱۲۳
منابعی برای مطالعه بیشتر	۱۲۵
فصل دوم: بررسی و ارزیابی راه حل های مسئله شر از دیدگاه سهروردی	۱۲۷
درآمد	۱۲۷
جایگاه نور و ظلمت در طرح متافیزیک نوری	۱۲۹
تقسیمات نور و ظلمت در فلسفه سهروردی	۱۳۶
ابهامات در تقسیم نور و ظلمت	۱۴۰
کتاب شناسی سهروردی در مسئله شر	۱۴۳
الف) التلویحات اللوحیه والعرشیه	۱۴۵
ب) المشارع و المطارحات	۱۴۶
ج) حکمه الاشراف	۱۴۷

۱۴۹	 (د) پرتوانمه
۱۵۰	 (هـ) هياكل النور
۱۵۱	 (و) الواح عمادی
۱۵۲	 (ز) یزدان شناخت
۱۵۳	 (ح) اللمحات
۱۵۳	 (ط) كلمة التصوف
۱۵۴	 بررسی و تحلیل تعریف شر از دیدگاه سهروردی
۱۵۹	 ارزیابی تعریف سهروردی از شر
۱۶۳	 بررسی تحلیل اقسام شر از دیدگاه سهروردی
۱۶۵	 (الف) شرّ منیر بکم
۱۶۶	 (ب) شرّ لبع
۱۶۶	 (ج) شرّ اخلاقی
۱۶۸	 تقسیم شر به بالذات و بالعرض
۱۶۹	 ارزیابی اقسام شر از دیدگاه سهروردی
۱۷۱	 بررسی و ارزیابی مبانی فلسفی سهروردی در مسئله شر
۱۷۲	 مبانی فلسفی سهروردی در مسئله شر
۱۷۳	 (الف) رد نظریه انسان‌مداری و پذیرش نظام احسن
۱۸۵	 بررسی و ارزیابی
۱۸۸	 (ب) لازمه خیرهای برتر بودن شرور
۱۹۱	 مقدمه اول؛ ملازمه خیر و شر
۱۹۲	 مقدمه دوم؛ نظام احسن عالم
۱۹۵	 مقدمه سوم؛ ملازمت ترک خیر کثیر با شرّ کثیر
۱۹۷	 تحلیل و ارزیابی
۲۰۰	 (ج) عدمی بودن شر
۲۰۲	 تحلیل و ارزیابی

۲۱۰		د) تقسیم‌بندی موجودات ممکن
۲۱۳		تحلیل و ارزیابی
۲۱۶		ر) پذیرش قاعده عدم التفات عالی به سافل
۲۱۸		تحلیل و ارزیابی
۲۱۸		نتیجه‌گیری مبحث مبانی فلسفی مسئله شر از دیدگاه سهروردی
۲۲۰		بررسی و تحلیل راه‌حل‌های مسئله شر از دیدگاه سهروردی
۲۲۰		الف) نظریه عدمی‌دانستن شر
۲۲۲		ارزیابی دیدگاه سهروردی در این نظریه
۲۲۳		ب) نظریه ملازمه شر و خیرهای برتر
۲۲۷		ارزیابی دیدگاه سهروردی در این نظریه
۲۲۸		ج) نظریه ملازمه شر و کمال
۲۳۰		ارزیابی دیدگاه سهروردی در این نظریه
۲۳۱		د) نظریه شر و اختیار آدمی
۲۳۳		ارزیابی دیدگاه سهروردی در این نظریه
۲۳۳		ارزیابی کلی مبحث راه‌حل‌های مسئله شر از دیدگاه سهروردی
۲۳۵		نتیجه‌گیری
۲۴۲		پرسش‌های فصل دوم
۲۴۳		منابع فصل دوم
۲۴۳		الف) منابع فارسی و عربی
۲۴۶		ب) منابع انگلیسی
۲۴۶		منابعی برای مطالعه بیشتر
۲۴۷		فصل سوم: بررسی و ارزیابی راه‌حل‌های مسئله شر از دیدگاه سوئین‌برن ...
۲۴۷		درآمد
۲۴۸		تبیین صفت مطلق
۲۵۳		تعریف شر از دیدگاه سوئین‌برن

۲۵۴	 اقسام شر
۲۵۷	 طرح مسئله شر
۲۵۹	 سوئین برن و مفهوم بهترین جهان ممکن
۲۶۰	 مسئله منطقی و قرینه‌ای شر
۲۶۳	 دفاعیه و دادباوری (تئودیه)
۲۶۸	 راه‌حل‌های سوئین برن در مسئله شر
۲۶۸	 (۱) دفاع مبتنی بر اختیار
۲۷۵	 تحلیل و ارزیابی
۲۷۶	 (۱) دفاع مبتنی بر دادباوری و خیرهای برتر
۲۷۶	 تبیین دادباوری (تئودیه)
۲۸۱	 بررسی نقدی بر دادباوری (تئودیه)
۲۸۱	 (۱) تحلیل و استنتاج از دادباوری (تئودیه) سوئین برن
۲۸۷	 (۲) اشکال ویلیام راس
۲۹۰	 (۳) پاسخ سوئین برن به ویلیام راس
۲۹۴	 (۴) پاسخ ویکسترا و آلستون به ویلیام راس
۲۹۹	 (۵) نقد سوئین برن بر ویکسترا و آلستون
۲۹۹	 الف) سوئین برن و روایت زیبایی‌شناسانه از خداوند برتر
۳۰۰	 تحلیل و ارزیابی
۳۰۲	 ب) سوئین برن و روایت حصول خیرهای اخلاقی از شرور
۳۰۸	 تحلیل و ارزیابی
۳۱۲	 (۳) توجیه سوئین برن درباره شرور اخلاقی
۳۱۸	 سوئین برن و نقد برخی دیدگاه‌های مطرح در باب شرور اخلاقی
۳۲۱	 (۴) دیدگاه سوئین برن در باب شرور طبیعی
۳۲۱	 الف) شرور طبیعی و کسب فضایل اخلاقی
۳۲۴	 ب) شرور طبیعی و برهان کسب معرفت

۳۲۸	تحلیل و ارزیابی
۳۳۰	(۵) مسئله رنج حیوانات و کسب معرفت
۳۳۴	تحلیل و ارزیابی
۳۳۶	(۶) سوئین برن و مسئله مرگ
۳۳۸	تحلیل و ارزیابی
۳۳۸	نتیجه گیری
۳۴۴	پرسش های فصل سوم
۳۴۵	منابع فصل سوم
۳۴۵	الف) منابع فارسی
۳۴۵	ب) منابع انگلیسی
۳۴۷	منابعی برای مطالعه بیشتر

فصل چهارم: بررسی تطبیقی رفتارهای مسئله شر از دیدگاه سهروردی و

۳۴۹	سوئین برن
۳۴۹	درآمد
۳۵۳	انگیزه طرح مسئله در سهروردی و سوئین برن
۳۵۴	صفات خدا: تبیین مفهوم مطلق
۳۵۶	ماهیت شر
۳۵۸	تقسیم بندی شرور
۳۶۱	حیوانات و مسئله شر
۳۶۱	منافع شرور
۳۶۴	مفهوم بهترین جهان ممکن
۳۶۶	جهان و شر؛ شکوهمندی در آفرینش
۳۶۷	راه حل های مسئله شر
۳۷۱	مبانی متافیزیکی مشترک میان سهروردی و سوئین برن در حل مسئله شر
۳۷۳	اختلافات تنوریک میان سهروردی و سوئین برن در حل مسئله شر

۳۷۵	نتیجه گیری
۳۸۰	پرسش‌های فصل چهارم
۳۸۱	منابع فصل چهارم
۳۸۱	الف) منابع فارسی و عربی
۳۸۱	ب) منابع انگلیسی
۳۸۲	منابع پیش از متن
۳۸۳	منابعی برای مطالعه بیشتر
۳۸۵	نمایه موضوعی
۳۹۵	نمایه اسمی

www.ketab.ir

پیشگفتار

مسئله شر از مسائل مهم دیرینه اما پویایی است که همواره ذهن بشر را درگیر داشته و در محافل علمی درایر باره بحث و بررسی‌های فراوان انجام گرفته است. این مسئله در طول تاریخ نه تنها برای فلاسفه، بلکه برای مردم عوام مطرح بوده، بلکه مسئله‌ای است که برای عموم مردم هم همواره پرسش برانگیز بوده است؛ «آیا که هر انسانی در زندگی خود درد و رنج را به نوعی تجربه می‌کند. انسان‌ها یا خود نه در رنج و شر مبتلا می‌شوند یا شروری را مشاهده می‌کنند که دیگران به آن‌ها مبتلا می‌شوند» (۱). در دو مورد، خود دردآور است. به راستی فلسفه وجودی شرور چیست؟

از گذشته‌های دور متألّهانی که به وجود خدا و صفت کمال الهی همچون عدل، علم، قدرت و خیر محض بودن و حکمت الهی باور داشته‌اند، هر کدام که شیده‌اند تا به نحوی به مسئله «تعارض شرور با دادباوری خداوند» پاسخ گویند.

در فلسفه یونان باستان سقراط، افلاطون (افلاطون، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۴۱۳، ج ۱: ۱۴۰-۱۴۱) و ارسطو (ارسطو، ۱۳۶۷: ۱۶، ۲۶ و ۳۰۲) مسئله شر را بررسی و در پاسخ بدان تلاش کرده‌اند. در فلسفه ایران باستان، چون ساحت اهورامزدا را از شر آفرینی منزّه دانسته‌اند، شر را به اهریمن نسبت داده‌اند. در گات‌ها، متن مقدس زرتشتیان ایران باستان، آمده است:

«اهورامزدا یگانه آفریدگار جهان مینوی و مادی است و سرچشمه همه نیکی‌ها و خوبی‌ها است؛ در مقابل او آفریدگار و یا فاعل شر وجود ندارد. «انگزه مینویا» یا خرد خبیث که بعدها به مرور ایام اهریمن گردید، زشتی‌های جهان از قبل او است.... چون چنین است، ذات مقدس

اهورامزدا عاری است از اینکه انسان را در زندگانی گرفتار این همه زجر و شکنجه و ناخوشی و گزند و آزار نماید. از ساحت او جز نیکی سر نزنند، آنچه در جهان زشت است، مربوط به خرد خبیث است» (ابراهیم پور، ۱۳۷۸: ۷۱-۷۲).

در عهد عتیق نیز اشاراتی به دادباوری خداوند شده است: «ابراهیم، نخستین سرور عبرانیان، خداوند را «داور تمام زمین» خواند» (سفر پیدایش، ۱۸: ۲۵). در نزد عالمان یهود، خداوند به عنوان آفریننده جهان و خالق انسان، بندگانش را مسئول روشی می داند که در زندگانی در پیش می گیرند، و بندگان می باید درباره اعمال خود در پیشگاه عدل الهی پاسخ گو باشند. داری ای خداوند، همواره درست و عادلانه است: «خداوند منصف است، فراموشکار نیست، هر کس مدح نمی کند و رشوه نمی گیرد» (میشنا آووت، ۴: ۲۲).^۱

در آیین مسیحیت نیز سخن از عدل الهی رفته است، هرچند متکلمان مسیحی بیشتر بر اوصافی همچون نیکوئی و نیک خواهی خداوند تأکید می ورزند (هیسن، بی تا، میکائیلیان: ۸۱).

قرآن کریم به گونه ای آشکارتر از عالت خداوند سخن گفته است: «فرمان، جز به دست خدا نیست که حق را بیان می کند و بهترین داوران است» (انعام/۵۷). خدا به کسی ستم روا نمی دارد: «در حقیقت، خدا هم وزن ذره ای ستم نمی کند...» (نساء/۴۰)، بلکه آدمیان، خود در حق خویش ستم می کنند: «خدا به هیچ وجه به مردم ستم نمی کند، لیکن مردم خود بر خویشان ستم می کنند» (یونس/۴۴). داوری الهی برترین داری ها است: «...و برای مردمی که یقین دارند، داوری چه کسی از خدا بهتر است؟» (مائده/۵۰)....

اگوستین، از بزرگ ترین و نافذترین حکیمان و متکلمان مسیحی، سیده دارد که نظام جهان، با وجود اینکه شر اخلاقی (گناه) در آن به چشم می خورد، بهترین نظام ممکن است. او برای شر شأن جوهری قائل نبود، زیرا از نظر او هر جوهری نیکو است. البته خدا همه مخلوقات را همسان نیافریده است؛ هریک به تنهایی خوب اند و همگی با هم بسیار نیکویند،

۱. به نقل از: الف، کهن (۱۳۵۰). گنجینه ای از تلمود. ترجمه امیرفریدون قربانی. یهودا حی: ۴۲.

زیرا خداوند کلّ آفرینش را بس نیکو آفریده است (اگوستین، میسمی؛ ۱۳۸۱: ۲۱۶). سخن اگوستین بیان‌کننده این نکته است که جهان به همراه مخلوقاتِ مختاری که حاوی آنان است و شری که آن را مرتکب می‌شوند، بهتر از آن است که جهان نه حاوی مخلوقات مختار و نه دربرگیرنده شرّ مذکور باشد (Harrison, 2005: 123 & 103).

فیلسوفان مسلمان نیز همچون فارابی در «التعلیقات» (۱۴۰۸: ۴۶)، ابن‌سینا در «الاشارات و التنبیهات» و «اشفا» (ابن‌سینا، ۱۳۶۸، ج ۱: ۴۰۰ و ابن‌سینا، ۱۳۶۳: ۶۳۲)، شیخ اشراق در «حکمة الاراق» (۱۳۷۵، ج ۱: ۴۶۷ و ۴۷۲)، میرداماد در «القبسات» (۱۳۷۴: ۴۲۵) و بیش از همه صدرالمطالبن در «اشفا الاربعه» (۱۴۱۰، ج ۷: ۹۱ و ۱۰۶) به تفصیل برای اثبات نظام احسن الهی از چگونگی وارد شدن شر در قضای الهی سخن گفته‌اند.

اما، امروزه مواجهه با اندیشه‌های دید یک تفاوت اساسی با گذشته دارد. در گذشته کسی فرض وجود خدای قادر مطلق را خیر خواه مطلق را فرض متناقضی نمی‌دانست و از تحلیل منطقی مفهومی این صفات، نادرستی فتن و غود خداوند نتیجه گرفته نمی‌شد. درواقع، تردید، بیشتر بر سر ادله وجود خداوند بود و ما جرّه متألّهان و ملحدان به دفاع و نقد ادله محدود می‌شد، اما امروزه منتقدان تفکر دینی، دیگر از صحت و فساد براهین نمی‌پرسند، بلکه گام را فراتر نهاده و بر آن شده‌اند تا با نشان دادن تناقض در اجزای تفکر دینی، بدون کاوش در ادله، آن را از اعتبار بیندازند.

منتقدان می‌گویند که متدینان ازسویی وجود شرور را بدیهی می‌دانند، حاکم مصادیق شرور امور محسوس هستند، ازسوی دیگر از قدرت مطلق و خیرخواهی مطلق سخن به میان می‌آورند؛ حال آنکه این دو اعتقاد با هم ناسازگارند. یا باید وجود شرور را پذیرفت و قدرت و خیرخواهی خداوند را محدود و مقید ساخت و یا باید وجود شرور را انکار کرد و قدرت و خیرخواهی مطلق را حفظ نمود؛ زیرا اگر خداوند قادر و خیرخواه مطلق بود، به وجود شرور رضایت نمی‌داد و مانع آن‌ها می‌شد، اما چون وجود شرور و مصادیق شرور بدیهی است، لذا باید به نفی آن طرف تناقض پرداخت. به اعتقاد آن‌ها مسئله شر تنها برای کسانی مطرح می‌شود که علاوه بر اعتقاد به خدا او را قادر مطلق و خیر محض می‌دانند.

صورت ساده مسئله، از نظر آن‌ها از این قرار است: (۱) خداوند قادر مطلق است، (۲) خداوند خیرمحض است، (۳) شر وجود دارد. به گفته آن‌ها این سه گزاره متناقض‌اند، به گونه‌ای که اگر گزاره اول و دوم صادق باشند، گزاره سوم کاذب خواهد بود و چون تناقض این سه قضیه آشکار نیست، دو قضیه دیگر را به آن الحاق می‌کنند و آن‌ها را قضایای شبه منطقی می‌نامند که عبارت‌اند از: الف) خیر نقطه مقابل شر است، به گونه‌ای که فرد خیرخواه تا آنجا که بتواند، شر را از بین می‌برد؛ ب) توانایی‌های قادر مطلق را هیچ حد و مرزی نیست.

لازمه این مقدمات آن است که اگر کسی، هم خیرمحض باشد و هم قادر مطلق، باید شر را به کل از بین ببرد. به همین خاطر دو قضیه «قادر مطلق وجود دارد» و «شر وجود دارد» با هم ناسازگارند. (Mackie, 1955: 200-201). به این ترتیب شبهه اصلی شر مطرح می‌شود، مستشکلان پاسخی برای آن داده شده به این شبهه را رد و راه‌حل‌های مطرح شده از سوی متألهان را به دو دسته تقسیم می‌کنند:

الف) راه‌حل‌های مناسب: راه‌حلی که در ابتدا شخص یکی از قضایای مقوم مسئله شر را به گونه صریح مردود می‌شمارد و در نتیجه مسئله برای او حل‌شدنی است، مانند کسی که می‌پذیرد «خداوند خیرمحض نیست»، «شر وجود ندارد»، «خداوند قادر مطلق نیست»، «خیر نقطه مقابل شر نیست»، «شر موهوم است»، «شر عدل‌ان خیر است» یا «توانایی قادر مطلق حد و مرز دارد». سپس این مسئله را مطرح می‌کنند که این راه‌حل‌هایی اعتبار هستند؛ برای نمونه، بر این راه‌حل که توانایی قادر مطلق را هیچ حد و مرز نیست، این سؤال مطرح می‌شود که آیا به این ترتیب واقعاً قدرت خداوند نامحدود است؟ و یا که نه؟ شر را یک توهم می‌دانند، چه جوابی به این سؤال می‌دهند؟ آیا این توهم، خود یک توهم نیست؟ و کسانی که شر را صرفاً فقدان خیر می‌دانند، می‌توانند پاسخ گویند که آیا فقدان خیر، خود یک شر نیست؟ (Mackie, 1955: 202).

ب) راه‌حل‌های مغالطه‌آمیز: راه‌حل‌هایی است همه قضایای مقوم به‌طور صریح پذیرفته می‌شوند، اما در جریان استدلال، به‌طور ضمنی رد می‌شوند (Mackie, 1955: 202)؛ مانند راه‌حل‌هایی نظیر «ممکن نیست خیر بدون شر وجود داشته باشد» یا «شر به‌عنوان واسطه خیر

ضروری است» یا «جهان همراه با شرور موجود در آن، بهتر از جهان بدون هرگونه شری است» یا «شر لازمه اختیار انسان است».

پس، همان‌گونه که اشاره شد، برخی از متفکران مسئله شر را نقضی بر وجود خدا تلقی کرده‌اند و معتقدند که وجود شر خواه پاسخ‌پذیر و حل‌شدنی باشد یا نه، یکی از اشکالات اساسی خداشناسی و نقضی بنیادین بر برخی صفات کمالیه الهی همچون علم و قدرت مطلق خواهد بود؛ اما گروهی دیگر از معاصران و متفکران حوزه فلسفه دین، از ناسازگاری منطقی درباره شر سخن گفته‌اند و مسئله منطقی شر را مهم‌ترین بحث در این موضوع تلقی کرده‌اند. گروه اول تأکیدی دارند که وجود شر به مثابه نقضی علیه خداوند، مسئله و مشکلی به مراتب دشوارتر از ناسازگاری منطقی است؛ بدین معنی که حتی اگر وجود خدا و وجود شر از نظر منطقی ناسازگار نباشند، باز وجود شر دلیلی علیه وجود خدا به شمار می‌آید. هیچ‌کس نمی‌تواند وجود رنج، سختی‌ها و آلم را در جهان مخرج شود. اگر خداوند وجود داشته باشد، باید یا مانع تحقق شرور می‌شد و یا برای وجود آن‌ها دلایل کافی اخلاقی می‌داشت، درحالی که برای شرور دهشتناکی همچون جنگ‌های خونین یا قتل عام فجیع انسان‌ها با بمب هسته‌ای و نظایر آن، هیچ دلیل اخلاقی کافی وجود ندارد. (Mackie, 1962: 153 ; Flew, 1970: 231) بنابراین، دو بحث درباره تحلیل مسئله شر وجود دارد: الف) مسئله منطقی شر یا مسئله سازگاری و ناسازگاری میان وجود خدا و وجود شر؛ ب) مسئله شر به معنای انشائی با دلیل علیه وجود خداوند.

قائلان به مسئله منطقی شر، می‌کوشند تا با ارائه مقدماتی خاص، نشان دهند که وجود خداوند با وجود شرور به لحاظ منطقی ناسازواری دارد. در این تقریر، ادعا می‌شود که وجود شر با اعتقاد به وجود خداوند از نظر منطقی ناسازگار است؛ بنابراین فرد دیندار در باورهای دینی‌اش عقلانی نیست. چون نمی‌توان از یک سو به وجود شرور در جهان اذعان داشت و از سوی دیگر معتقد به وجود خدایی قادر مطلق، عالم مطلق و خیر محض بود. ممکن نیست که این دو باور هم‌زمان صادق باشند. لذا باور به چنین تناقضی از نظر عقلی موجه نخواهد بود. اینان می‌گویند با توجه به حقیقت بدیهی شر، وجود خدای خیر محض و قادر مطلق

نمی‌تواند محتمل‌تر از وجود دایره مربع شکل باشد. مکی در این باره معتقد است که تحلیل مسئله شر نشان می‌دهد باورهای دینی عقلانی نیستند و تکیه گاه عقلانی هم ندارند، چرا که بعضی اجزای این نظریه با یکدیگر ناسازگار هستند (Mackie, 1955: 200).

بنابراین، ادعای منتقدان این است که وجود توأمان خدا و شر از نظر منطقی ناممکن است، لذا دینداران باید نشان دهند که این امر ممکن است. به عبارت دیگر، صدق این دو گزاره؛ یعنی «خدا وجود دارد» و «شر وجود دارد»، امکان‌پذیر است.

در مقاله قبلی‌ای شر، تلاش بر سر این است که نشان داده شود وجود شرور دلایلی را علیه وجود خدای مورد اعتقاد خدا باوران فراهم می‌آورد. اینان بر این باورند که ادعاهای ادیان آسمانی - ربانی با توجه به وجود شرور در عالم پذیرفتنی نیست. در اینجا بحث بر سر ناسازگاری سطحی ادعاهای دینی نیست، بلکه بحث بر سر ناپذیرفتنی بودن این ادعاها است. در این تقریر از مسئله شر ادعا می‌شود که اعتقادات دینی نمی‌تواند برای مسئله شر تبیین خردپسند ارائه کند. به نظر اینان اگر خدایی قادر مطلق، عالم مطلق و خیر محض وجود می‌داشت، ما انتظار این شرور را داشتیم. لذا بر اساس تفسیر دینی عالم، نمی‌توان وجود شرور را تبیین نمود؛ بنابراین بعید است که خدا وجود داشته باشد، چون پاره‌ای شرور وجود دارند که کاملاً گزاف و بی‌هدف هستند. البته خدا باوران یادآور شده‌اند که ملحدان نمی‌توانند شرور بی‌هدف و گزاف را قاطعانه اثبات کنند بلکه این شرور به ظاهر بی‌هدف، به خیرهای برتر و بزرگ‌تر منتهی می‌شوند. «اگر دینداران موفق شوند در تصویر دینی جهان، جای مناسبی برای شرور بی‌هدف بیابند، درواقع موفق شده‌اند برهان مبتنی بر شر را عقیم کنند. یکی از براهین اقامه شده برای نشان دادن جایگاه شرور، گزاف در جهان دینی، برهان مبتنی بر اختیار واقعی است» (Peterson, 1982: 104-7).

تمامی متفکران و فیلسوفان اسلامی از جمله سهروردی، راه دوم را درپیش گرفتند و کوشیدند تا به شیوه‌های مختلف به آن پاسخ دهند. البته این امر به مثابه انکار یا بی‌توجهی و احاطه به شیوه نخست نبود، بلکه از آنجا که به نظر می‌رسد، امکان بررسی و مطالعه روش نخست در درون روش دوم وجود دارد، شاید این راه را درپیش گرفتند؛ لذا، بیشتر فیلسوفان،

پس از ارائه راه‌حل مسئله شر، تصریح کردند که میان وجود شر و وجود خداوند می‌توان جمع و سازگاری ایجاد کرد. عمده راه‌حل‌های فیلسوفان اسلامی و سهروردی توجه به نظریه عدل الهی بود، گرچه باید توجه داشت که از دو قسم دفاع مبتنی بر خیرهای برتر و دفاع مبتنی بر اختیار، قسم اول را ترجیح دادند و سهروردی بیشتر مباحث خود را بر همین قسم استوار ساخته است.

در فلسفه غرب، برخی از راه‌حل‌هایی که در دوره معاصر برای حل مبحث شر ارائه شده، به موضوع منطقی شر ناظر است، همانند راه‌حلی که فیلسوف معاصر دین، آلون پلنتینگا، ارائه کرده که بیشتر به مبحث مذهب شر توجه و تکیه می‌کند و برخی از راه‌حل‌ها نیز بیشتر بر موضوع قرینه‌ای شر تأکید می‌کند. یعنی در تلاش هستند که نشان دهند، وجود شرور در عالم موجه و مجاز است و پذیرفتن آن با پذیرفتن وجود خدا منافاتی ندارد. مثلاً از میان فیلسوفان پیشین، لایبنیتس از کسانی است که تلاش کرده این راه‌حل را ارائه دهد و از بین فیلسوفان معاصر دین، ریچارد سوئین برنارد بیان دیگر از کسانی هستند که سعی کرده‌اند بر این رویکرد تأکید کنند.

با توجه به طرح مسئله شر در شکل‌های مختلف، پاسخ‌های گوناگونی از سوی خداباوران به این موضوع داده شده است، این پاسخ‌ها را می‌توان بر سه دسته از دو رویکرد دفاعیه و دادباوری دانست. دفاعیه که برای نشان دادن ناکامی تقریری پاسخ در مبحث شر به عنوان دلیلی علیه وجود خدا یا علیه معقولیت باورهای دینی است و نظریه دادباوری که تلاش برای ارائه یک پاسخ معقول به این پرسش است که «چرا خداوند وجود شر را روا می‌دارد؟» به عبارت دیگر، دادباوری تلاش می‌کند دلایلی را ارائه نماید که احتمالاً خداوند برای مجاز شمردن شر در اختیار داشته است. به منظور فراهم نمودن نظریه مبتنی بر دادباوری، آن چیزی که انسان نیاز دارد، تشخیص دادن اهداف الهی و ارائه دلیل خوب خدا برای مجاز دانستن شر است.

برخی از فیلسوفان دین، درباره شر، دفاعیه را بر ارائه دادباوری ترجیح می‌دهند و برخی برعکس. از جمله فلاسفه‌ای که چندان امیدوار نیستند که دادباوری بهتر از دفاعیه می‌تواند

باشد، پلنتینگا است. او بر این باور است که ما نمی‌توانیم بفهمیم که چرا جهان ما، با تمامی شرورش، بهتر از جهان‌های دیگری است که می‌توان تصور کرد و نمی‌توانیم به درستی بفهمیم که دلیل خداوند برای رواداشتن شری خاص چیست. او معتقد است که ما نه تنها نمی‌توانیم که بدین امر وقوف یابیم، بلکه حتی نمی‌توانیم بدین امر امیدوار باشیم. در اینجا است که باید بگوییم، تلاش برای اینکه دریابیم چرا خداوند شر را روا می‌دارد، یعنی آنچه که [در اصطلاح] دادباوری نامیده می‌شود، از نظر او سست و بی‌معنا است. وی کاربرد دادباوری را به دلایل منطقی به این امر محدود کرده که خداوند رخ دادن شر را روا بدارد. (Plantinga, 1978, 192)

اگرچه سهروردی، سوئین‌برن در دو عصر و دو فرهنگ متفاوت از هم زیسته‌اند و در این باب با هم اختلاف دارند، اما از آنجا که موضوع شر، مسئله‌ای فرازمانی است که در همه اعصار و دوران - بیخ تفکر بشری به گونه‌های مختلف مطرح شده است، این دو متفکر نیز در آراء خود به‌طور حادی، با هم پرداخته‌اند. سهروردی با انگیزه فلسفی و با رویکردی انتزاعی در حالی به این می‌بایست پرداخت می‌شود که پرداختن به آن لازمه مباحث او در طرح متافیزیک نوری است. همچنین او ادعا می‌کند که این مسئله ذیل بحث عنایت، فیض و صفات کمالیه الهی و نظام احسن و... مطرح می‌شود، پس او ناگزیر است که به این موضوع بپردازد. اگرچه توجه و پرداختن به مبحث شر، به‌طور طبیعی لازمه مباحث سهروردی در تبیین نظام عالم است، اما او به شبهات ثنویه و یا مجوس هم پرداخته است؛ پس رویکرد او در پرداختن به شر، صرف واکنش و عکس‌العمل در برابر شبهات نیست.

نگاه تازه سهروردی در ورود به نظام عالم از زاویه نور و ضلعت ماضی اشیا را در نظر او دگرگون می‌کند. وی لازم می‌بیند این هویت نوری را در تمام موضوعاتی تزریق کند که با آن‌ها سروکار دارد. او عالم ماده را غاسق (ظلمت) می‌خواند و تنها نورالانوار را نور محض می‌داند. وی به حکمت نور و ظلمت حکیمان پارسی اشاره می‌کند و درواقع از دیدگاه او

نور مظهر و راز واجب‌الوجود و ظلمت مظهر و راز وجود ممکنات است. این‌ها پیش‌فرض‌هایی است که باید در ذهن مخاطبان آرای سهروردی در ورود به بحث شر در فلسفه ایشان باشد، چراکه بحث خیر و شر در فلسفه سهروردی ذیل بحث نظام نوری طرح و معنا می‌یابد. کار مهمی که سهروردی در فلسفه خود به انجام رساند، نظام‌سازی فلسفی و تبیین ظلمت در مجموعه نظام هستی بود و آنگاه او کل عالم ماده را به صورت ظلمانی می‌داند، بدون آنکه نوری را بالذات در این عالم قائل شده باشد. سهروردی علاوه بر شر طبیعی و اخلاقی، به شر متافیزیکی ترجمه‌ی ریزه داشته است. راه‌حل‌های او در حل مسئله شر را می‌توان در چهار نظریه دسته‌بندی نمود: «نظریه عدمی داشتن شر»، «نظریه ملازمه شر و خیرهای برتر»، «نظریه ملازمه شر و کمال» و «نظریه شر اختیاری آدمی».

در میان راه‌حل‌های ارائه‌شده در شر، دادباوری سوئین‌برن شایان توجه است. او به دادباوری خوشبین است. ادعای او این است که بیش‌تر ما به چنین دادباوری نیاز داریم (Swinburne, 1998: 5). سوئین‌برن این‌ها را با «واحد اختیار اخلاقی می‌داند و دادباوری، خود، بر ارزش اختیار اخلاقی برای آدمیان تأکید می‌کند و عقیده دارد که اختیار برای برگزیدن میان خیر و شر، خود، خوبی کثیر است. به اعتقاد او، خداوند به آدمی اختیار داده است تا وی بتواند در جهان منشأ تأثیر باشد و در قبال سعادت‌بخش دیگر مخلوقات، مسئولیتی جدی داشته باشد. در دیدگاه وی دادباوری از دفاعیه گسترده‌تر است و دفاعیه در دل دادباوری قرار می‌گیرد. وی تأکید می‌کند که اگر کسی بخواهد در مقابل مسئله شر موفق باشد، باید متوسل به دادباوری شود و در دل هر دادباوری، دفاعیه و به‌ویژه دفاعیه مبتنی بر اختیار باید حاضر باشد (Swinburne, 2005: 70).

به اعتقاد سوئین‌برن بهترین دفاعیه‌ای که در قبال مسئله شر مطرح شده، همان دفاع مبتنی بر اختیاری است که در دوره جدید بیان شده؛ در ظاهر به نظر می‌رسد که این دفاعیه اشکال شر اخلاقی را می‌تواند جواب دهد، اما در قبال شر طبیعی چندان توانا نیست. سوئین‌برن بیان می‌کند که دفاع مبتنی بر اختیار می‌تواند جواب درخوری به شر طبیعی هم بدهد و آن را کنار بزند (Swinburne, 1992: 303). وی در دادباوری مبتنی بر خیرهای برتر خود، پروژه دفاع

مبتنی بر اختیار را تکمیل می‌نماید. در واقع او می‌خواهد با طرح برهان کسب معرفت، اشکال شرطی را نیز از میان بردارد. از آنجا که سوئین برن از جمله فیلسوفان معاصر دین متأله و در پی دفاع از خدا باوری است، بنابراین در قبال شرور اخلاقی و طبیعی، با توسل به دفاعیه و داد باوری دو راه حل اصلی ارائه می‌دهد: ۱) دفاع مبتنی بر اختیار ۲) دفاع مبتنی بر داد باوری و خیرهای برتر به سه روایت: الف) روایت زیبایی شناسانه از وقوع شرور ب) روایت حصول خیرهای اخلاقی از وقوع شرور ج) برهان مبتنی بر کسب معرفت.

هات از نگارش اثر پیش رو، بررسی تطبیقی راه حل های ارائه شده در حل مسئله شر از سوی این فیلسوف است، اما به نظر می‌رسد پیش از ورود به دیدگاه های آن دو، لازم است به مهم ترین و برجسته ترین راه حل های ارائه شده در حل این موضوع، در طول تاریخ فلسفی و کلامی اشاره نمود. در فصل اول کتاب با رویکردی مسئله محور راه حل های ارائه شده در مبحث شریانه و بررسی دیدگاه دو فیلسوف در دو فصل مجزا بررسی و ارزیابی گردیده و در واپسین فصل، پای آن دو در حل این مسئله، به گونه تطبیقی بررسی و ارائه شده است.